

بررسی عوامل مؤثر بر کسری بودجه با تأکید بر حاکمیت قانون

پروانه سلاطین

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فیروزکوه

p_salatin@iauec.ac.ir

نیلوفر غفاری صومعه

دانشجوی دکتری واحد علوم تحقیقات تهران، واحد علوم تحقیقات
تهران

Niloufar.ghaffari.s@gmail.com

سمانه محمدی

کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فیروزکوه (نویسنده
مسئول)

samanehmohammadi1392@gmail.com

حاکمیت قانون یکی از اصول مهم سیاسی و حقوقی است که بشر از دیرباز در پی تحقق آن بوده است. حاکمیت قانون احترام عملی دولت و شهروندان به هنجارهایی است که روابط فی‌مابین آن‌ها را تنظیم می‌کند؛ به عبارت دیگر حاکمیت قانون دامنه اعتماد شهروندان به قوانین و میزان وفاداری آن‌ها به قوانین را اندازه‌گیری می‌نماید. حاکمیت قانون در مسائل مربوط به بودجه و به طور کلی مدیریت مالی سبب شفافیت می‌شود و با حفظ قانونمداری و افزایش سطح رضایتمندی با بالا رفتن درآمد مالیاتی، کسری بودجه دولت‌ها را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر تصویب و اجرای قوانین، هزینه‌هایی را به دولت‌ها تحمیل می‌کند که سبب افزایش کسری بودجه می‌شود. در این راستا هدف اصلی این مقاله بررسی میزان تأثیرگذاری عوامل مؤثر (رشد اقتصادی، سرمایه انسانی، حاکمیت قانون، تورم و درجه آزادی اقتصادی) بر کسری بودجه با تأکید بر حاکمیت قانون در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط است. مطالعه حاضر از نظر هدف یک تحقیق کاربردی و از نظر روش تحقیق و شیوه نگارش پرداختن به مسئله توصیفی و استنباطی است. نتایج حاصل از برآورد مدل به روش اثرات ثابت و گشتاور تعمیم‌یافته در گروه کشورهای منتخب در دوره زمانی ۲۰۰۲-۲۰۱۳ با استفاده از اطلاعات آماری بانک جهانی نشان داد که رشد اقتصادی، سرمایه انسانی، حاکمیت قانون، تورم و درجه آزادی اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری بر کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب دارد.

H68, K00, C23 :JEL طبقه‌بندی

واژگان کلیدی: رشد اقتصادی، سرمایه انسانی، حاکمیت قانون، تورم، درجه آزادی اقتصادی، کسری بودجه، داده‌های پانل.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۲۲

۱. مقدمه

حاکمیت قانون از موضوعات مهمی است که توجه اقتصاددانان و دیگر اندیشمندان در زمینه سیاست را به خود جلب کرده است. امروزه این ادعا به ادعایی قابل قبول تبدیل شده است که تا زمانی که حاکمیت قانون در یک کشور برقرار نشده و مورد شناسایی و مورد احترام زمامداران قرار نگرفته باشد، آن نظام، نظام اقتصادی به معنای امروزی محسوب نمی‌شود. از این روست که امروزه هر سخنی راجع به دموکراسی و نهادهای دموکراتیک، حاکمیت قانون است. از سوی دیگر، از آنجا که مهم‌ترین کارکرد قانون، تنظیم روابط میان دولت و شهروندان از طرفی و شهروندان با یکدیگر از سوی دیگر است، با پیچیده‌تر شدن دو نوع تعامل یادشده نقش قانون و بالطبع مفهوم حاکمیت قانون برجسته‌تر شده است (مالمیری، ۱۳۷۵). کناک و کیفر^۱ (۲۰۰۳)، کناک^۲ (۲۰۰۳)، فنک^۳ (۲۰۰۲) نشان داده‌اند که بهبود حاکمیت قانون تأثیر مستقیمی بر توسعه اقتصادی دارد. عطیا^۴ (۲۰۰۷) حاکمیت قانون را به عنوان یکی از شاخص‌های اندازه‌گیری متغیر کیفیت نهادی^۵ معرفی نموده است. متغیر کیفیت نهادی از نظر وی از چهار مؤلفه فساد، کیفیت بوروکراتیک، حاکمیت قانون و موانع سیاسی بر سر راه قوه مجریه تشکیل شده است. حاکمیت قانون سبب شفافیت اقدامات و فعالیت‌های حکومت‌ها و بهبود فرایند تصمیم‌گیری دولت‌ها از طریق مشارکت مردمی می‌شود. شفافیت قوانین مربوط به فعالیت‌های

1. Knack, s and keefer, p
2. Knack
3. Feng
4. Atya, Eyad
5. Institutional quality

شرکت‌ها و مؤسسات اقتصادی و عملکرد مناسب دولت سبب افزایش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی می‌شود. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای التزام مقامات حکومتی به حاکمیت قانون، امکان پیش‌بینی و معقول بودن هزینه‌های مبادله برای شهروندان به‌ویژه فعالان اقتصادی است. حاکمیت قانون یک پیش‌شرط زیربنایی و اساسی برای رشد اقتصادی است. یکی از پیامدهای اقتصادی حاکمیت قانون فراهم شدن زمینه برای رقابت برابر اقتصادی است. چنان‌چه ماکس وبر نیز معتقد است در جامعه‌ای که در آن امکان رقابت وجود دارد، حاکمیت قوانین عام ضروری است؛ چراکه فرض بر این است چنین جامعه‌ای متشکل از عده زیادی سرمایه‌گذار است که به لحاظ قدرت اقتصادی کم‌وبیش برابرند. در نظامی که حاکمیت قانون به رسمیت شناخته شود، فرصت‌های جذاب برای فعالیتهای اقتصادی به نحو برابر برای همگان وجود دارد و تبعیض ناروا به جهت ارائه اطلاعات یا جانبداری یا تخصیص منابع به افراد یا گروه‌های خاص، مغایر با اصول حاکمیت قانون است. از سوی دیگر حاکمیت قانون تأثیرات بسزایی بر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی بر جای می‌گذارد؛ سیاست‌گذاری‌هایی راجع به سیاست پولی و سیاست‌های مربوط به خصوصی‌سازی. نکته دیگر این است که حاکمیت قانون در مسائل مربوط به بودجه (تدوین، مصرف و نظارت) و به طور کلی مدیریت مالی شفاف دارای اهمیت است. بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های نظام مناسب برای سرمایه‌گذاری، وجود حاکمیت قانون است. رعایت اصل حاکمیت قانون و برخورداری از یک نظام حقوقی که به حقوق مالکیت احترام گذارد و قراردادها را محترم شمارد از مبانی بنیادین قضایی برای سرمایه‌گذاری است (بارو^۱، ۲۰۰۰). حاکمیت قانون با ایجاد فضایی از اطمینان، اخذ اطلاعات صحیح از قیمت‌های نسبی

مانند بازدهی واقعی سرمایه‌گذاری را برای عوامل اقتصادی هموار ساخته و بنابراین به تخصّص کارآمد منابع منجر می‌گردد. حاکمیت قانون، کارآفرینی و توسعه کسب‌وکار را تشویق می‌کند. یک کارآفرین نمی‌تواند در کشوری که بدون حاکمیت قانون اداره می‌شود آزاد باشد. کشورهایی که توسط حاکمیت قانون حکمرانی می‌شوند موانع کمی برای ورود به سیستم رسمی وضع می‌کنند؛ اما در کشورهای در حال توسعه که اصل حاکمیت قانون در آن‌ها اجرا نمی‌شود موانع زیادی برای کارآفرینان جهت حرکت از یک وضعیت غیرقانونی به یک کسب‌وکار منسجم وجود دارد و اکثر کارآفرینی‌های کوچک در بخش‌های غیررسمی مشغول به فعالیت هستند. در این راستا، این مقاله در قالب داده‌های پانل ایستا (SPD)^۱ و پانل پویا (DPD)^۲ به بررسی میزان تأثیرگذاری عوامل مؤثر بر کسری بودجه با تأکید بر حاکمیت قانون در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط در دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۲ و آزمون فرضیه‌های زیر می‌پردازد:

- حاکمیت قانون تأثیر معناداری بر کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب دارد.
 - تورم تأثیر معناداری بر کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب دارد.
 - درجه آزادی اقتصادی تأثیر معناداری بر کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب دارد.
 - سرمایه انسانی تأثیر معناداری بر کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب دارد.
 - رشد اقتصادی تأثیر معناداری بر کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب دارد.
- ابزار گردآوری اطلاعات مورد نیاز با استفاده از گزارش‌ها و آمارهای منتشرشده منابع اطلاعاتی خارجی

1. Static Panel Data
2. Dynamic Panel Data

و سایت‌های اینترنتی بین‌المللی ازجمله WDI^۱ است. جامعه آماری این مطالعه منتخبی از کشورهای درآمد متوسط است. لازم به ذکر است در انتخاب کشورهای منتخب، کشورهایی انتخاب شده‌اند که داده‌های آماری متغیرهای مورد استفاده در این مقاله در دوره زمانی مورد بررسی در دسترس بود.

گروه کشورهای منتخب آلبانی، الجزایر، بلیز، بوتسوانا، برزیل، بلغارستان، چین، کلمبیا، کاستاریکا، جمهوری دومینیکن^۲، اکوادور، فیجی، گرانادا^۳، مجارستان، اردن، قزاقستان، مقدونیه، مالزی، مکزیک، پاناما، پرو، رومانی، صربستان، آفریقای جنوبی، تایلند، دومینیکا^۴، تونس، ترکیه و ایران هستند. در ادامه پس از بررسی مبانی نظری و سابقه پژوهش، ساختار مدل مورد استفاده معرفی و برآورد می‌شود و در نهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه می‌شود.

۲. مبانی نظری

وقتی در منابع حقوق از قانون سخن گفته می‌شود مقصود تمام قوانینی است که از طرف یکی از سازمان‌های صالح دولت وضع شده باشد. در معنای عام، قانون شامل تمام مصوبات مجلس، تصویب‌نامه‌ها و بخش‌های اداری است. در این راستا در ادبیات اندیشه سیاسی، حاکمیت قانون به دو معنی به کار رفته است که البته ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. نخستین معنی، احترام عملی دولت و شهروندان به هنجارهایی است که روابط فی‌مابین آن‌ها را تنظیم می‌کند و معنی دوم عبارت است از برقراری موازین و ویژگی‌های دولت قانونمند. آنچه در بحث حاکمیت

1. World Development Indicator, www.worldbank.org.

2. Dominica republic

3. Grenada

4. Dominica

قانون مورد توجه است، تنظیم قوانین عام و اعمال بی‌طرفانه آن بر همگان به نحو برابر و در نتیجه فراهم شدن زمینه رقابت برابر و آزادانه است.

از دیدگاه بانک جهانی،^۱ حاکمیت قانون آگاهی و درک در مورد میزان اعتماد و احترام و دنباله‌روی کارگزاران از قوانین جامعه به‌ویژه کیفیت اجرای قرارداد، حقوق مالکیت، پلیس و دادگاه‌ها و همچنین احتمال جرم و خشونت را بازتاب می‌کند.

در نظامی که حاکمیت قانون به رسمیت شناخته شود، فرصت‌های جذاب برای فعالیت‌های اقتصادی به نحو برابر برای همگان وجود دارد و تبعیض ناروا به جهت ارائه اطلاعات یا جانبداری یا تخصیص منابع به افراد یا گروه‌های خاص، مغایر با اصول حاکمیت قانون است. زمانی می‌توان ادعا کرد که در جامعه‌ای قانون حاکم است که سه شرط زیر تأمین شده باشد:

- حمایت از افراد در مقابل دزدی و خشونت و دیگر اقدام‌های غارتگری.
 - حمایت در مقابل اقدام‌های خودسرانه دولتی که فعالیت‌های اقتصادی را مختل می‌کند.
 - وجود نظام قضایی قابل پیش‌بینی و منصف.
- حاکمیت قانون نشان می‌دهد که تا چه اندازه فرایندهای نهادی برای قانون‌گذاری و اجرای قوانین به‌خوبی پیاده‌سازی شده و مورد پذیرش هستند.
- حاکمیت قانون ذهنیت در مورد وقوع جنایت، کارآمدی و قابل پیش‌بینی بودن احکام قضایی و ضمانت اجرایی قراردادهای را شامل می‌شود. عوامل مذکور موفقیت یک جامعه در ایجاد محیطی که در آن قوانین عادلانه و قابل پیش‌بینی مبنای تعاملات اقتصادی و اجتماعی را شکل می‌دهند، اندازه‌گیری کرده و مهم‌تر اینکه مشخص می‌سازد حقوق مالکیت تا چه اندازه مورد

1. Reflects perceptions of the extent to which agents have confidence in and abide by the rules of society, and in particular the quality of contract enforcement, property rights, the police, and the courts, as well as the likelihood of crime and violence.

حمایت است. مردم و دولتمردان می‌توانند بالقوه ناقض باشند. بنابراین از طریق میزان احترام مردم و دولتمردان به قانون می‌توان حاکمیت قانون را در يك کشور اندازه‌گیری کرد. مهم‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده حاکمیت قانون در يك کشور میزان جرم و جنایت، اعتماد مردم به مسئولان در اجرای قانون، پیش‌بینی‌پذیری دستگاه‌های قضایی، میزان سرقت و هزینه‌های آن برای صاحبان کسب‌وکار، میزان فرار مالیاتی، جرائم سازمان‌یافته و احتمال موفقیت در شکایت علیه دولت هستند. بانک جهانی با کمک انواع سازمان‌ها، از جمله نهادهای تجاری درجه‌بندی ریسک، سازمان‌های چندجانبه، مؤسسات پژوهشی و سایر سازمان‌های غیردولتی، حاکمیت قانون را در کشورهای مختلف جهان با استفاده از متدلوژی ترکیبات مشاهده نشده استاندارد^۱ با تقریب و خطا تخمین زده است، که در آن شاخص مذکور هر دو سال يك بار در دوره زمانی ۲۰۰۲-۱۹۹۶ و سالانه از ۲۰۰۲ به بعد تخمین زده شده است (کافمن، کری و ماسیمو^۲، ۲۰۰۲-۲۰۰۸).

حاکمیت قانون در جامعه‌ای ظهور یافته و استمرار می‌یابد که در آن مجموعه‌ای شناخته‌شده و مورد احترام از «حقوق» و «حدود» برای تمام آحاد جامعه اعم از دولتمردان و مردم عادی وجود داشته و به رسمیت شناخته شده باشد. در حقیقت «حقوق متقابل حکومت و مردم» و التزام هر دو طرف به رعایت این حقوق است که ویژگی حاکمیت قانون را در يك جامعه ایجاد می‌کند. متقابل بودن این حقوق بدان جهت است که هر يك از طرفین به وسیله حقوق طرف مقابل «محدود» می‌شوند. در اندیشه سیاسی غرب مفاهیم «حق»، «حد» و «حقوق متقابل» قدمتی کمتر از چهار قرن دارند. این ایده در پوشش «نظریه قرارداد اجتماعی» اولین بار از طرف «هوگو کروسیوس»

1. Standard unobserved components models.

2. Kaufmann, Daniel & Kraay, Art, Massimo Mastrazzi.

حقوق‌دان هلندی ارائه شد و بعد از آن توسط افرادی همچون «توماس هابز» «جان لاک» و دیگران پیگیری و تکمیل شد (طاهری، ۱۳۷۵)؛ به طوری که در اواخر قرن نوزدهم میلادی شکل نوین و متکاملی از آن به عنوان «دولت قانونمند» در اروپای غربی ظاهر شد. طبق تعریف «کارا دومالبر» دولت قانونمند دولتی است که در روابط خود با اتباعش تابع نوعی رژیم حقوقی باشد. در نظام دولت قانونمند، حقوق نه‌تنها ابزاری در دست دولت است، بلکه هم‌زمان وسیله‌ای برای محدود کردن قدرت دولت نیز به حساب می‌آید. بنابراین دولت قانونمند زمانی وجود دارد که دستگاه دیوانی تابع مجموعه‌ای از مقررات خارج و برتر «قانون اساسی» است. رویکردهایی متنوع و متعددی نسبت به حاکمیت قانون اتخاذ شده است، اما به طور کلی سه رویکرد بسیار مهم درباره حاکمیت قانون را می‌توان تشریح کرد.

رویکرد اول، رویکرد چپ افراطی یا ایدئولوژیک است که بنا بر تقسیم‌بندی زیربنا و روبنا در ساختار اجتماعی و اقتصادی، حاکمیت قانون منعکس‌کننده روابط اجتماعی جوامع سرمایه‌داری و بورژوازی است که مطابق آن، سرمایه‌داری درصدد گسترش سلطه خود بر بخش‌های مختلف جامعه بوده و از این مفهوم برای استعمار و بهره‌گیری به نفع مقاصد خود سود می‌جوید. اساساً فرهنگ قانون‌گرایی برای حفاظت از آزادی اقتصادی این گروه خاص ترویج می‌شود و دولت که باید بی‌طرف باشد به صورت ابرازی در دست گروه خاص درمی‌آید. مهم‌ترین اشکال این دیدگاه این است که بر خلاف مدعای خود مفهومی ایدئولوژیک و جانبدارانه از عدالت و آزادی را معرفی می‌کند. در حوزه عدالت اجتماعی، استقلال و هویت انسانی را نادیده گرفته و از انسان‌ها چهره‌ای ابزاری ترسیم می‌کند و در مورد آزادی نیز تنها از مفهوم مثبت آن دفاع می‌کند (مالمیری، ۱۳۸۵).

رویکرد دوم، نسبت به اصل حاکمیت قانون، رویکرد میانی، اثباتی یا حقوقی است که در آن حاکمیت قانون یکی از ویژگی‌های درونی هر سیستم حقوقی است. در این نظریه، حاکمیت قانون هیچ ارزش و اصولی فراتر از آنچه مورد پذیرش یک نظام حقوقی است را بیان نمی‌کند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این نظریه، تز جدایی اخلاق از حقوق با تأکید بر برداشتهای پوزیتیویستی یا اثباتی از حقوق است. حاکمیت قانون در این رویکرد به مفهوم برقراری نظم و انضباط اجتماعی است و بیشتر اوصاف قوانین به شمار می‌آید نه اوصاف نهادها و حاکمان سیاسی. هرچند حاکمیت قانون در این دیدگاه اغلب در برابر قدرت خودسرانه و مستبدانه به کار می‌رود، اما بسیاری از اشکال حکومت‌های استبدادی با قانون سازگار است؛ زیرا یک حاکم مستبد می‌تواند قواعد کلی وضع کند که دارای ویژگی‌های قانونی باشد. از نظر مدافعین این دیدگاه حاکمیت قانون دارای وصف سلبی است، بدان معنا که می‌تواند قدرت خودسرانه و استبدادی ایجاد کند و از جهت محتوای و ماهوی نیز قانون اهدافی را دنبال می‌کند که الزاماً با دیدگاه اخلاقی خاصی سازگار نیست، از این جهت قوانین بیشتر جنبه ابزاری و شکلی دارند. اما حاکمیت قانون می‌تواند به نحوی جهت‌گیری شود که از نقض برخی حقوق و آزادی‌ها که منشأ آن‌ها عدم استمرار^۱، ابهام^۲ و عطف شدن^۳ قوانین است، جلوگیری کند. مهم‌ترین ایراد وارد بر این دیدگاه بی‌توجهی نسبت به اصول و معیارهای اخلاقی به عنوان منشأ و منبع مشروعیت قدرت سیاسی است؛ اما در راستای تأمین هدف حاکمیت قانون در جهت نظم‌بخشی رفتار مردم دو دسته اصول از مفهوم حاکمیت قانون قابل استخراج است.

1. Imstability

2. Uncertainty

3. Retrospectivemess

- دسته اول، اصول ذاتی و محوری مفهوم حاکمیت قانون به شمار می‌روند که عبارتند از «عمومیت قوانین»^۱، «اعلام عمومی قوانین»^۲، صراحت و شفافیت قوانین^۳، ناظر به آینده بودن قوانین^۴، قابلیت اجرا و پیروی از قوانین^۵، استمرار قوانین^۶.

- دسته دوم، اصول تبعی هستند که برای اعمال اصول ذاتی و اهداف حاکمیت قانون مورد نیاز و الزامی هستند. این اصول عبارتند از: استقلال قوه قضائیه، مراعات اصل عدالت طبیعی^۷، اختیار کنترل، نظارت و تجدیدنظر در آراء و تصمیمات^۸ و حق دسترسی به محاکم صالح^۹.

رویکرد سوم، که نسبت به حاکمیت قانون مطرح شده از آن با عنوان رویکرد راست سیاسی و اخلاقی تعبیر می‌شود. تفاوت این رویکرد با رویکرد دوم را باید در اهداف و ارزش‌هایی که حاکمیت قانون در صدد حمایت از آنهاست جستجو کرد. در حالی که دیدگاه اثباتی، حاکمیت قانون را یک ارزش در عرض سایر ارزش‌ها همانند آزادی، عدالت، برابری و مشارکت سیاسی قرار می‌دهد، این رویکرد آن را در طول و در خدمت این ارزش‌ها قرار می‌دهد. وجه مشترک این دو رویکرد آن است که هر دو به اصول برشمرده شده حاکمیت قانون باور دارند، با این تفاوت که در رویکرد سوم تمامی این اصول و اوصاف در خدمت اصول بنیادین‌تر قرار دارند. بنابراین مفهوم حاکمیت قانون در این رویکرد دو نتیجه مهم را در پی دارد. یکی اینکه

1. Generahtyoflaws
2. Promulgation
3. Clarity and sleafity of laws
4. Prospectjveness
5. Procticabijity
6. Stability of laws
7. Procedural fairness Natural Justice
8. Judicial Review
9. The Right of Access to Competent Courts

هرگونه استفاده مستبدانه و خودسرانه از قدرت را منع می‌کند و دیگر اینکه هر نوع قدرت حکومتی را محدود به مواردی می‌کند که از طریق قوانین عمومی، مستمر و صریح مطرح می‌شود. در این رویکرد حاکمیت قانون بیشتر مربوط به وظایف و مسئولیت‌های حکومت و نهادهای سیاسی است تا شهروندان. چنین مفهومی حکومت‌ها را ملزم می‌کند تا تنها بر اساس قانون حکومت کنند، تا هیچ فردی فراتر از قانون دارای اختیارات و امتیازات ویژه‌ای نشود (مالمیری، ۱۳۸۵). در این مفهوم، حاکمیت قانون با جامعه مدنی ارتباط تنگاتنگی پیدا می‌کند که در آن افراد عاقل و برابر هستند و به دنبال خواسته‌هایشان بر اساس مفهوم خاصی هستند که هریک از حقیقت و اخلاق دارند. در این رویکرد حاکمیت قانون بر پیش‌فرض‌های بسیار مهمی چون حفظ حقوق و آزادی‌های اساسی، مدیریت عرفی حکومت نه مدیریت بر اساس ترجیحات ایدئولوژیک و بی‌طرف و مشروط بودن دولت استوار است. در این حالت حاکمیت قانون خود ارزشی اصلی و ذاتی به شمار نمی‌آید، بلکه اصلی است که در خدمت ارزش‌های بنیادتری مانند دفاع از حقوق انسانی و آزادی‌های اساسی نظیر آزادی عقیده، بیان، مطبوعات و ... است. در این دیدگاه، هدف قانون محدود کردن یا سرکوب حقوق و آزادی‌ها نیست، بلکه تنظیم و توزیع و حراست قانون آن‌هاست. به طور کلی در بحث از مبانی حاکمیت قانون سه ایده آزادی، حقوق بشر و برابری از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و نقش عمده‌ای را در تحقق این اصل ایفا می‌کنند (راعی، ۱۳۹۱). در یک نظام سیاسی قانونمند، سرمایه‌گذاران قادرند با اطمینان کافی به نظام حقوقی، سیاسی و اقتصادی اقدام به سرمایه‌گذاری کرده و چشم‌انداز معقول و قابل قبولی برای آینده پیش‌بینی کنند (مالمیری، ۱۳۸۵). در این راستا فیش و بروکس^۱ در مطالعه خود

1. Fish, M. Steven and Brooks, Robins

به نقش مهم حاکمیت قانون اشاره کردند و با بررسی رابطه بین تنوع قومی- نژادی و دموکراسی به این نتیجه دست یافتند که تنوع، آسیبی به دموکراسی نمی‌زند. استقرار و تقویت حاکمیت قانون یکی از زمینه‌هایی است که از این آسیب‌رسانی احتمالی جلوگیری می‌کند. به عقیده محققان، برقراری حاکمیت قانون پیامدهای اقتصادی قابل توجهی را به دنبال دارد. گرچه می‌توان برخی از این پیامدها را واجد ماهیتی حقوقی نیز دانست.

مینسو^۱ (۱۹۹۹) نشان می‌دهد فقر قوانین و چارچوب‌های نهادی تأثیر منفی بر سرمایه‌گذاری دارد. تجمیع سرمایه انسانی را محدود و فرایند انتقال تکنولوژی را کند، تولید و درآمدهای مالیاتی را کاهش و کسری بودجه را افزایش می‌دهد. بارو^۲ (۱۹۸۹) نشان می‌دهد که اگر کاهش در منابع تأمین کسری بودجه از طریق کاهش مالیات اتفاق افتد، در نهایت به مالیات‌های بیشتری در آینده منجر می‌گردد. بارو در مطالعه دیگری در دو دوره زمانی (۱۹۱۸-۱۷۰۶) و (۱۹۸۶-۱۹۶۰) کسری بودجه را نتیجه انباشت بدهی‌ها در دوره قبل و نسبت هزینه‌های موقتی دولت بریتانیا می‌داند. وی نشان می‌دهد که نسبت کسری بودجه به GDP با نسبت بدهی‌ها و هزینه‌های موقتی به GDP ارتباطی مثبت و قوی دارد.

کفرونک و السن^۳ (۱۹۹۶) و دی‌هان و استروم (۱۹۹۴) کرچاسنر^۴ (۲۰۰۱) پیوند شدید بین متغیرهای سیاسی (حاکمیت قانون، ثبات سیاسی و ...) و کسری بودجه را نشان می‌دهند. کشورهای با حکومت‌های مستبد کسری‌های بودجه انباشته را بیشتر از کشورهای

1. Minsoo. Lee

2. Barro

3. Keefer. P- Knack. S-Olson. M

4. Kirchgassner, G

دموکراتیک تجربه می‌کنند (دی هان و همکاران^۱، ۱۹۹۴). دانیل اشوگورنسکی^۲ (۲۰۰۴) نشان می‌دهد اصول حقوقی دموکراتیک، شفافیت زیاد دولتها و شهروندان فعال از معیارهای بودجه مشارکتی است. افزایش اعتماد، سبب تولید بودجه‌های مشارکتی شده است. اعتماد متقابل بین دولت و شهروندان از طریق نهادهایی که مستقل عمل کنند، در نهایت تعادل بودجه را ایجاد می‌کند. السینا و پروتی^۳ (۱۹۹۵) دریافتند که کسری‌های بودجه زیاد در برخی از کشورهای (OECD) و افزایش بدهی‌های آنها در ۲۰ سال منتهی به سال ۱۹۹۳ به وسیله مدل‌های کسری‌های ملایم بودجه^۴ قابل توضیح نیست، بلکه مدل‌های اقتصادی سیاسی در این خصوص کارآمدتر عمل می‌کند.

۳. سابقه پژوهش

سالی انگل مری^۵ (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای تحت عنوان «حاکمیت قانون چیست؟ چشم‌انداز میانمار» تشریح کردند که مفهوم حاکمیت قانون به عنوان پایه‌ای برای حمایت از مسائل سیاسی، جنبش اصلاحات و رتبه‌بندی عمل می‌کند؛ با این وجود برای تعریف بسیار دشوار است. نکته مهم، رویکرد جدید در مورد مخالفت با حاکمیت قانون است. در این رویکرد به جای آنکه پرسیده شود حاکمیت قانون چیست، پرسیده می‌شود چه چیزی نیست. تاریخ عمیقاً تجزیه و تحلیل متنی از نحوه کار قانون در میانمار را نشان می‌دهد که حاکمیت قانون با ایده‌های قانون و نظم را انکار می‌کند و همچنین درک اینکه حاکمیت قانون چگونه کار می‌کند نیاز به بررسی چگونگی آن در داخل سیستم‌های سیاسی و ایدئولوژیکی تعبیه شده است.

1. De Haan & E. Strum
2. Schugurenky. Daniel
3. Alesina, Alberto, and Perotti, Roberto
4. Smoothing Budget Deficit
5. Sally Engle Merry

فرناندز ویلاورد^۱ (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای تحت عنوان «قانون کبیر (مگنا کارتا)، حاکمیت قانون و حریم دولت»، به بررسی سنت حقوقی که در پیوند مگنا کارتا با مفاهیم مدرن از حاکمیت قانون و محدودیت در دولت است، پرداخت. نتایج این مقاله نشان می‌دهد که احیای تعهدات اساسی حاکمیت قانون سبب تغییر شکل دولت‌های مدرن می‌شود.

ارجمند و همکاران^۲ (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای تحت عنوان «رشد و بهره‌وری؛ نقش کسری بودجه در کشورهای منتخب منا» به بررسی ارتباط رشد و بهره‌وری و کسری بودجه در کشورهای منتخب منا پرداختند. نتایج در دوره زمانی ۲۰۰۰-۲۰۱۳ با استفاده از مدل پانل‌های ایستا نشان‌دهنده اثر مثبت متغیرهای رشد اقتصادی، نرخ تورم و تأثیر منفی نیروی کار بر بهره‌وری و کسری بودجه است. همچنین نتایج همبستگی منفی میان کسری بودجه و رشد اقتصادی را نشان می‌دهد.

کویاما و جانسون^۳ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای تحت عنوان «ثبات پولی و حاکمیت قانون» به بررسی ارتباط میان عملکرد پول و حاکمیت قانون پرداختند. آن‌ها این ادعا که ثبات پولی شرط لازم برای حاکمیت قانون است به کشف رابطه میان تورم و کاهش قیمت ناشی از بی‌ثباتی پولی پرداختند که سبب تضعیف حاکمیت قانون می‌شود. نتایج نشان می‌دهد نهادهای پولی منجر به حفظ ثبات پولی و حاکمیت قانون می‌شوند.

هاگارد و تاید^۴ (۲۰۱۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «حاکمیت قانون و رشد اقتصادی به بررسی اثر رشد اقتصادی بر حاکمیت قانون پرداختند. حاکمیت قانون خود شامل عواملی چون امنیت شخصی و حقوق مالکیت، کنترل فساد و ... است. نتایج نشان می‌دهد ارتباط

1. Jesús Fernández-Villaverde

2. Mansoor Arjomanda, Karim Emamib, Farshid Salimic

3. Sally Engle Merry

4. Haggard & Tiede

معناداری میان حاکمیت قانون و رشد اقتصادی وجود دارد.

فاگبادیو^۱ (۲۰۰۷) در مطالعه خود تحت عنوان «فساد، حکمرانی و بی‌ثباتی سیاسی در نیجریه» تشریح نمود، دولت نیجریه گرفتار سطح بالای فساد دستگاه‌های دولتی است، شرایط سیاسی و اجتماعی ناملائم عملکرد توسعه و پیشرفت نیجریه را به تأخیر انداخته است. رهبران سیاسی با بحران مشروعیت و مردمان این کشور با تبعیض نژادی مواجهند. پاسخگویی ضعیف مقامات دولتی و عدم شفافیت به درآمدهای نفتی، فقر بیشتر مردمان این کشور را به همراه داشته است. از این رو وی معتقد است به منظور شکستن این سیکل، پاسخگویی، شفافیت، حاکمیت قانون و ثبات سیاسی در این کشور باید ایجاد شود.

لی و فیلر^۲ (۲۰۰۷) در مطالعه‌ای تحت عنوان «تأثیر حکمرانی خوب بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی» نشان می‌دهند در کشورهایی که محیط حکمرانی مبتنی بر قانون ضعیف است سرمایه‌گذاران، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) را بر سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی یا پورتفولیو (FPI) ترجیح می‌دهند. اکثر مطالعات صورت‌گرفته در این زمینه نشان می‌دهند کشورهای در حال توسعه به FDI بیشتر از FPI تمایل دارند. در این کشورها سهم بزرگی از کل سرمایه‌گذاری را FDI تشکیل می‌دهد. این مطالعات از توجیه این موضوع که چرا کشورهای در حال توسعه FDI بیشتری نسبت به FPI جذب می‌کنند، ناتوانند.

بارو و سالا-آی-مارتین^۳ (۱۹۹۵) در پژوهش خود دریافتند که در میان اجزای گوناگون شاخص کیفیت نهادی، حاکمیت قانون، هنگامی که طیفی از متغیرهای

1. Fagbadebo, omololu

2. Li, shaomin, Filer Larry.

3. Barro, Robert j. and Sala-i-Martin, Xavier

محیطی و دیگر متغیرها کنترل شوند، تنها عاملی است که تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر رشد اقتصادی دارد. خصری و ساعی (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای تحت عنوان «فرهنگ سیاسی و حاکمیت قانون در ایران با تأکید بر بی‌اعتمادی سیاسی ناشی از توهم توطئه» به بررسی علت ضعف حاکمیت قانون در ایران پرداختند تمرکز اصلی آن‌ها در این مطالعه بررسی نقش فرهنگ سیاسی به عنوان عامل ضعف حاکمیت قانون در ایران است. نتایج نشان می‌دهد که فرهنگ سیاسی ایران با تشدید و تقویت بی‌اعتمادی سیاسی ناشی از توهم توطئه، سبب نقض حاکمیت قانون می‌شود.

اصلانی و کاظمینی (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای تحت عنوان «مفهوم حاکمیت قانون و برداشت از آن با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» به بررسی مفاهیم و برداشته‌ها از حاکمیت قانون در قانون اساسی پرداختند و تشریح کردند که حاکمیت قانون به عنوان اصطلاحی جدلی، مبنای مهم ارتباط دولت و شهروندان است. در پارادایم‌های مختلف عناصر و مؤلفه‌های اصلی و اولیه، مفهوم حاکمیت قانون متفاوت است. برخی این گزاره‌ها را دلایل و قانونی بودن آن دانسته و بعضی استناد و قانونیت را عناصر اصلی این مفهوم قلمداد کرده‌اند. در مقام نظریه‌پردازی و اجرا نیز ممکن است مفاهوم‌ها، برداشته‌ها و تحلیل‌های مختلفی ارائه شود.

عیسی‌زاده و احمدزاده (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی اثر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی با تأکید بر نهادهای حاکمیتی» به بررسی اثر عوامل نهادی در کنار عوامل دیگر اقتصادی بر رشد اقتصادی در ۵۰ کشور با سطوح مختلف در دوره ۱۹۹۶-۲۰۰۵ پرداختند. عوامل نهادی شامل نهادهای حاکمیتی (حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، کنترل فساد، حاکمیت قانون، کیفیت بوروکراسی و اثربخشی دولت) است. نتایج نشان می‌دهد که اثر نهادهای عمومی چون حاکمیت قانون، ثبات سیاسی، کنترل فساد، کیفیت

بوروکراسی و اثربخشی دولت بر رشد اقتصادی مثبت و معنادار بوده و اثر شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی یا همان شاخص دموکراسی مثبت اما غیر معنادار است.

۵. تصریح مدل و برآورد

در این مقاله با استفاده از مبانی نظری و مطالعات تجربی کفرونک و السن^۱ (۱۹۹۶)، دیهان و استروم (۱۹۹۴) و کرچاسنر^۲ (۲۰۰۱) با تعدیلاتی از معادله (۱) استفاده شده است. مدل‌هایی که در مطالعات اقتصادی تصریح می‌شوند یا از طریق فرایند بهینه‌یابی حاصل می‌شوند یا به صورت Ad hoc هستند. در این مقاله نیز معادله (۱) به صورت Ad hoc تصریح شده است. در مدل‌های Ad hoc بر اساس مبانی نظری و مطالعات تجربی عوامل مؤثر بر متغیر وابسته شناسایی می‌شوند و چگونگی ارتباط تئوریک هر کدام از عوامل مؤثر بر متغیر وابسته تشریح می‌شوند و سپس به عنوان متغیرهای توضیحی (مستقل) در مدل تبیین می‌شوند. در این راستا در این مقاله نیز ابتدا عوامل مؤثر بر کسری بودجه شناسایی شدند و از میان عوامل مؤثر بر کسری بودجه متغیرهایی انتخاب شدند که داده‌های آماری آن متغیرها در جامعه آماری این مقاله (گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط) در دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۲ در دسترس بود. همچنین نتایج مناسبی از برآورد مدل (از نظر تئوری اقتصادی و معناداری) به دست آمد. ازجمله این متغیرها درجه آزادی اقتصادی، تورم، سرمایه انسانی، رشد اقتصادی و حاکمیت قانون هستند.

1. Keefer, P- Knack, S-Olson, M

2. Kirchgassner, G

$$BD_{it} = \beta_0 + \beta_1 RL_{it} + \beta_2 IN_{it} + \beta_3 LSV_{it} + \beta_4 OPENCU_{it} + \beta_5 LGDPCU_{it} + U_{it} \quad (1)$$

در این معادله BD کسری بودجه^۱، RL حاکمیت قانون^۲، IN تورم^۳، LSV لگاریتم سهم شاغلان دارای تحصیلات متوسطه به عنوان شاخص سرمایه انسانی^۴، $OPENCU$ درجه آزادی اقتصادی^۵، $LGDPCU$ لگاریتم تولید ناخالص داخلی واقعی^۶ به عنوان شاخص رشد اقتصادی^۷، U جمله خطای معادله و t, i نشان‌دهنده کشور و زمان هستند. در این مطالعه برای محاسبه کسری بودجه اطلاعات آماری مربوط به درآمدهای مالیاتی و مخارج دولتی از سایت بانک جهانی^۸ اخذ شده است و کسری بودجه به صورت زیر توسط مؤلفین مقاله محاسبه شده است.

Budget deficit = tax revenue (%of GDP)

– General government final consumption expenditure (% of GDP)

اطلاعات آماری مربوط به واردات و صادرات کالاها و خدمات از سایت بانک جهانی اخذ شده است و درجه آزادی اقتصادی به صورت زیر توسط مؤلفین مقاله محاسبه شده است.

open economy = ((Imports of goods and services (current US\$)
+ Exports of goods and services (current US\$))/ GDP (current US\$))

اطلاعات آماری مربوط به حاکمیت قانون از سایت حکمرانی مربوط به بانک جهانی^۹ اخذ شده است.

1. Budget deficit.

2. Budget deficit = tax revenue (%of GDP) -General government final consumption expenditure (% of GDP)

3. Rule of Law

4. Inflation

5. Secondary education, vocational pupils

6. open economy

7. Open economy =((Imports of goods and services (current US\$)+ Exports of goods and services (current US\$))/ GDP (current US\$))

8. GDP (constant 2005 US\$)

9. www.worldbank.org

10. www.govindicators.org

اطلاعات آماری مربوط به تورم و شاخص‌های سرمایه انسانی و رشد اقتصادی از سایت بانک جهانی اخذ شده است.

آزادسازی اقتصادی به عنوان حرکت به سمت تجارت آزاد از طریق کاهش تعرفه‌ها و سایر موانع تجاری تعریف می‌شود. آزادسازی موجب افزایش حجم و نوع مبادلات مرزی کالاها و خدمات (افزایش بازرگانی بین‌المللی)، افزایش جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تسریع انتقال فناوری و جهانی شدن تولید می‌شود (شریفی رنانی و همکاران، ۱۳۹۲). آزادسازی اقتصادی با حذف مقررات دست‌وپاگیر می‌تواند تأثیر بسزایی بر افزایش رشد اقتصادی، درآمدهای مالیاتی و کاهش کسری بودجه داشته باشد (رزمی و شهرکی، ۱۳۸۸). در اکثر نظریات مربوط به تجارت بین‌الملل بر اهمیت گسترش تجارت در توسعه اقتصادی کشورها تأکید شده است. طرفداران مکتب مرکانتلیسم با وجود اینکه بر اعمال محدودیتهای وارداتی تأکید داشتند، توسعه صادرات را برای رشد اقتصادی ضروری می‌دانستند. در نظریات نئوکلاسیک که هسته اصلی آن مدل هکشر-اوهلین^۱ است، گسترش تجارت و بازارهای جدید، به معنی تخصصی‌تر شدن تولید و تقسیم کار بهتر و افزایش درآمد است. افزایش درآمد نیز منجر به افزایش حجم پسانداز شده و سبب افزایش نرخ انباشت سرمایه، رشد اقتصادی، درآمدهای مالیاتی و کاهش کسری بودجه می‌شود. از سوی دیگر افزایش درآمد، فرصت‌های آموزشی و مراقبت‌های بهداشتی و پزشکی بهتری را موجب شده و منجر به عرضه خدمات اجتماعی مطلوب‌تری از سوی دولت و افزایش هزینه‌های دولتی می‌شود. از این رو اثر آزادسازی اقتصادی بر کسری بودجه مبهم است. آزادسازی اقتصادی و گسترش تجارت به طور قابل توجهی می‌تواند درآمدهای مالیاتی دولت و تعرفه‌های گمرکی را کاهش دهد. کاهش درآمد دولت

1. Ohlin, H

نیز بر کیفیت و کمیت ارائه خدمات عمومی دولتی مانند آموزش و بهداشت تأثیر گذاشته و کسری بودجه را افزایش می‌دهد. همچنین گسترش تجارت و رشد سریع اقتصادی می‌تواند اثرات سوئی بر محیط زیست داشته باشد. هزینه‌هایی برای مقابله با آلودگی بر دولت‌ها وارد سازد. تقویت اثرات مثبت و تعدیل اثرات منفی به سیاست‌های دولت و تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران هر کشور بستگی دارد (گروسمن^۱، ۲۰۰۳).

در ادبیات اقتصادی در زمینه نقش و اثر تورم بر درآمدهای مالیاتی و کسری بودجه تانزی^۲ برای اولین بار مطرح نمود که تورم سبب کاهش ارزش حقیقی درآمدهای مالیاتی می‌شود؛ وی معتقد است که افزایش تورم ممکن است درآمدهای مالیاتی حقیقی را به دلیل تأخیر در پرداخت مالیات‌ها، که یک پدیده بسیار مرسوم در کشورهای در حال توسعه است، کاهش داده و احتمال وقوع کسری بزرگتر را نیز افزایش دهد و هرچقدر تأخیر در پرداخت مالیات بیشتر و سیستم مالیاتی انعطاف کمتری داشته باشد، تأثیر تورم بر درآمدهای حقیقی مالیاتی و به تبع آن گسترش کسری بودجه بیشتر خواهد بود. این فرایند در ادبیات اقتصادی به اثر تانزی مشهور است. در حالی که تجربیات کشورهای صنعتی جهان عکس این مطلب را نشان می‌دهد. در اغلب این کشورها، تورم با افزایش حقیقی درآمدهای مالیاتی همراه بوده است و مشکل کشورهای مزبور، سامان‌دهی نحوه برخورد آنان جهت خنثی کردن اثرات نامطلوب این افزایش است. احتمالاً افزایش تورم زمانی منجر به افزایش درآمدهای حقیقی مالیاتی و کاهش کسری بودجه می‌شود که وقفه‌های جمع‌آوری مالیات کوتاه باشد و نظام مالیاتی باکشش باشد. وقتی در کشوری درآمد مالیاتی با وقفه‌های طولانی جمع‌آوری می‌شود و کشش قیمتی درآمد مالیاتی

1. Grossman

2. Tanzi

کمتر از یک است، نتایج تأثیر تورم، به‌ویژه وقتی که نرخ تورم بالا است، می‌تواند متفاوت باشد. در این‌گونه کشورها، تورم موجب کاهش درآمدهای حقیقی مالیاتی می‌شود. وقتی نظام مالیاتی کشش‌ناپذیر و وقفه‌های جمع‌آوری مالیات طولانی و نرخ تورم بالا باشد، تحلیل در مورد اینکه چه اتفاقی برای مالیات می‌افتد، دشوارتر بوده و نمی‌توان حکم کلی برای تمامی کشورها در این زمینه صادر کرد. در این راستا برسکین تورونی در سال ۱۹۳۷ از اولین اقتصاددانانی بود که رابطه بین نرخ تورم و کسری بودجه را مطالعه نمود و نشان داد زمانی که تورم شتابان است رابطه کسری بودجه و تورم می‌تواند منفی باشد. پاتینکین^۱ (۱۹۹۳) تصور کرد که ممکن است بین نرخ تورم و کسری بودجه رابطه منفی برقرار باشد و نظریه تورونی را مورد تأیید قرار داد. وی معتقد بود که در نرخ‌های تورم بالا، مخارج حقیقی کمتر از زمانی که تورم وجود ندارد و یا پایین است ظاهر خواهد شد. به نظر وی اثر پاتینکین تثبیت‌کننده قوی در نرخ‌های بالای تورم خواهد بود. تعدیل کسری بودجه ناشی از کاهش مخارج حقیقی که از افزایش تورم حاصل می‌شود، به اثر پاتینکین مشهور است. در کشورهایی که تجربه تورم را داشته‌اند اثر تانزی و پاتینکین به نحوی خودشان را نشان می‌دهند و بسته به شرایط اقتصادی، شدت و ضعف آن‌ها متفاوت بوده و خواهد بود. درواقع اثر تانزی از ناحیه درآمدها و اثر پاتینکین از ناحیه هزینه‌ها کسری بودجه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. تورم از طرف درآمد و با فعال شدن اثر تانزی موجب انباشته شدن کسری بودجه دولت و تشدید آن می‌شود. از سوی دیگر، تورم از سوی هزینه‌ها بر مخارج دولت اثر می‌گذارد و بسته به شرایط اقتصادی و دامنه تورم، بودجه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (مؤمنی و همکاران، ۱۳۸۹).

امروزه اشتغال و به طور کلی ساختار نیروی کار و به‌ویژه نیروی کار تحصیل‌کرده جایگاه ویژه‌ای در مسائل اقتصادی و به‌ویژه رشد و توسعه اقتصادی دارد. در نیم قرن گذشته بخش قابل توجهی از پیشرفت کشورهای توسعه‌یافته مرهون تحول در نیروی کار ماهر و متخصص بوده است (صالحی، ۱۳۸۱). نیروی کار تحصیل‌کرده می‌تواند به بهبود کیفیت کالا کمک کند و از طرفی نقش برنامه‌ریز و هدایت‌کننده داشته باشد. آن دسته از نیروی کاری که از سطح دانش و آموزش بیشتری برخوردار باشند قادرند در چرخه تولید پویایی و تحول تکنولوژیک ایجاد کرده، سبب افزایش ظرفیت تولید، توسعه تجارت و رسیدن به رشد اقتصادی بالاتر، افزایش درآمدهای مالیاتی و کاهش کسری بودجه شوند. افزایش سطح دانش و مهارت‌های نیروی کار، شرط لازم برای از بین بردن عقب‌ماندگی اقتصادی و ظرفیت‌های استفاده‌نشده اقتصادی و ایجاد انگیزه‌های لازم برای پیشرفت است (طی‌بی، شیخ‌بهایی، گوگردچیان، ۱۳۸۸). نیروی کار تحصیل‌کرده تنها نهاده‌ای است که می‌تواند ضمن تغییر خود سایر نهادهای تولیدی را تغییر یا تعدیل کند و مبنایی برای نوآوری فراهم سازد و در سطح وسیع به رشد اقتصادی، افزایش درآمدهای مالیاتی و کاهش کسری بودجه بینجامد. کاپلو^۱ (۱۹۹۳) بر اساس نظریه مالیات بر درآمد مطلوب سیمون^۲ (۱۹۳۸) تشریح می‌کند که متغیرهای مهمی مانند آموزش، تعداد کارمندان با تحصیلات بالا در سیستم‌های اداری و مالیاتی و ... بر سطح درآمدهای مالیاتی و کسری بودجه مؤثرند. در حالی که در کشورهای کمتر توسعه‌یافته نقش نیروی کار تحصیل‌کرده در توسعه نظام مالیاتی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. استفان^۳ (۲۰۰۳) با بررسی ۹

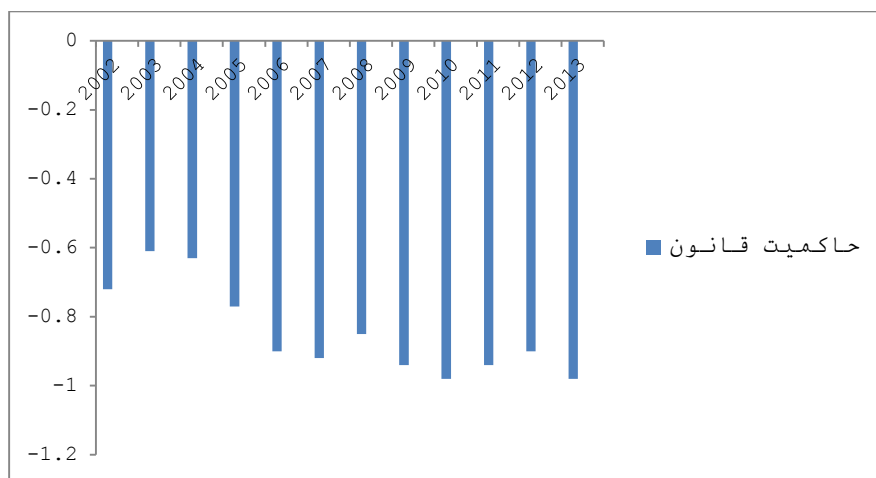
1. Kaplow

2. Simon

3. Stephan

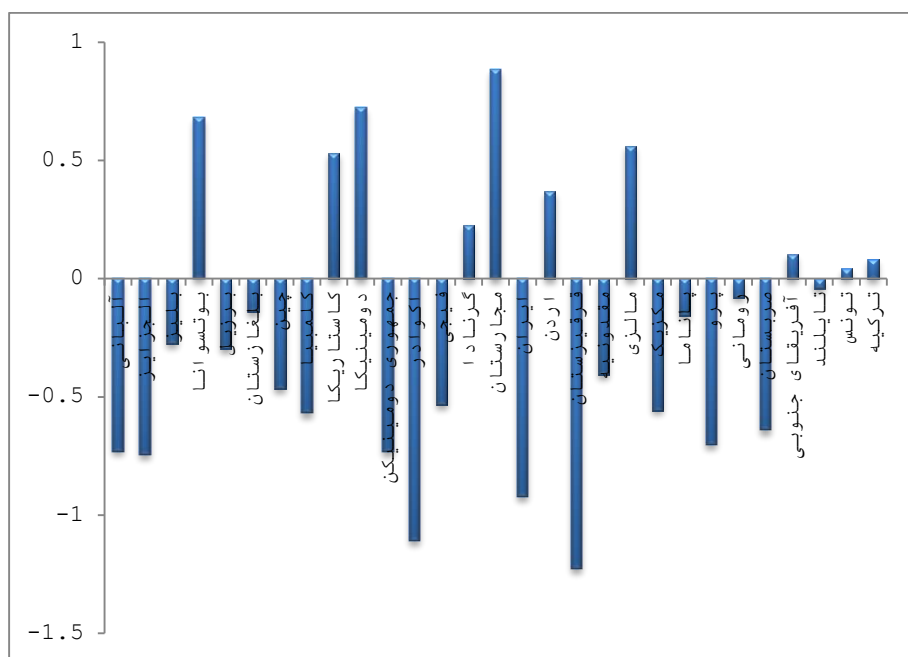
کشور در حال توسعه دریافت که در صورتی که این کشورها بر روی آموزش و توسعه منابع انسانی شاغلین در داخل و خارج سیستم مالیاتی کار کنند در بلندمدت درآمدهای مالیاتی افزایش و کسری بودجه کاهش خواهد یافت. در ادامه روند حاکمیت قانون در ایران و میانگین حاکمیت قانون در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط آمده است.

نمودار ۱. روند حاکمیت قانون در ایران



مأخذ: بانک جهانی و محاسبات محقق

نمودار ۲. میانگین حاکمیت قانون در گروه کشورهای منتخب



مأخذ: بانک جهانی و محاسبات محقق

روند شاخص حاکمیت قانون در ایران و میانگین حاکمیت قانون در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط در دوره زمانی ۲۰۰۲-۲۰۱۳ نشان می‌دهد:

- ایران در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۱۳ به ترتیب بهترین و بدترین وضعیت را در این شاخص داشته است.
- کشورهای مجارستان و قرقیزستان به ترتیب بهترین و بدترین وضعیت را در میانگین حاکمیت قانون داشته‌اند و ایران رتبه ۲۶ در میان ۲۹ کشور درآمد متوسط به خود اختصاص داده است.

به منظور تخمین معادله (۱) ابتدا لازم است تا نوع روش تخمین جهت نوع خاص داده‌های پانل تعیین شود؛ بنابراین ابتدا برای تعیین وجود (عدم وجود) عرض از مبدأ جداگانه برای هریک از کشورهای از آماره F استفاده شد. با توجه به میزان آماره F محاسبه‌شده در جدول (۱) فرضیه صفر آزمون مبنی بر استفاده از روش حداقل مربعات معمولی رد می‌شود.

در نتیجه رگرسیون مقید (حداقل مربعات معمولی) دارای اعتبار نیست و باید عرض از مبداهای مختلفی (روش اثرات ثابت یا تصادفی) را در مدل لحاظ کرد. سپس برای آزمون اینکه مدل با بهره‌گیری از روش اثرات ثابت یا تصادفی برآورد شود، از آزمون هاسمن به صورت زیر استفاده شد:

$$H \equiv n \hat{q}' (Avar(\hat{q}))^{-1} \hat{q}$$

$$\begin{cases} H_0: \text{Random Effects} \\ H_1: \text{Fixed Effects} \end{cases}$$

که در آن $\hat{q}$: تفاضل ضرایب برآورد شده برای متغیرهای توضیحی لحاظ شده در روش اثرات ثابت و تصادفی $(\hat{q} = \hat{\beta}_{FE} - \hat{\beta}_{RE})$ ؛ $Avar(\hat{q})$: واریانس جانبی $\hat{q}$ و n : تعداد مشاهدات است.

فرضیه صفر این است که تخمین‌زن‌های مدل اثرات تصادفی و اثرات ثابت به طور اساسی تفاوتی با یکدیگر ندارند. اگر فرضیه صفر رد شود روش اثرات تصادفی مناسب نیست و بهتر است از روش اثرات ثابت استفاده شود. آماره هاسمن دارای توزیع کای-دو با درجه آزادی برابر تعداد ضرایب تخمین زده‌شده در مدل است. اگر آماره محاسبه‌شده در سطح احتمال معین از توزیع کای-دو جدول بزرگتر باشد، در این صورت فرضیه صفر رد می‌شود (بالتاجی، ۲۰۰۰).^۱ انجام آزمون هاسمن با استفاده از نرم‌افزار EVEIWS انجام گرفت. با توجه به میزان آماره χ^2 به دست‌آمده از انجام محاسبات برای این رگرسیون در جدول (۱) فرضیه صفر مبنی بر استفاده از روش تصادفی رد می‌شود. از این رو اثرات ثابت برای تخمین مدل تأیید می‌شود که نتایج مربوط به آن در جدول (۱) ارائه شده است. علاوه بر تخمین مدل با استفاده از تخمین

1. Baltagi.

زن‌های اثرات ثابت، مدل تجربی در این مقاله با استفاده از برآوردگر گشتاورهای تعمیم‌یافته و با تکیه بر مدل پانل پویا^۱ خطی تخمین زده شده است. مدل پانل پویای خطی را می‌توان به صورت رابطه (۲) نشان داد:

$$y_{it} = \sum_{j=1}^P \rho_j y_{it-j} + X'_{it} \beta + \delta_i + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

که در آن:

y_{it} : متغیر وابسته، X_{it} : ماتریس k برداره از رگرسورها، ε_{it} : جزء خطا، β : بردار ضریب رگرسورها، δ_i : تأثیرات ویژه مقطعی (تصادفی یا ثابت)، $i=1,2,...,M$: مقاطع مختلف مدل که در زمان‌های $t=1,2,...,T$ مشاهده شده‌اند را نشان می‌دهد. مشکل اساسی که در تخمین این مدل وجود دارد این است که وقفه متغیر وابسته در سمت راست با جزء خطا ارتباط دارد. این مشکل سبب می‌گردد تخمین زننده OLS تورش‌دار و ناسازگار شود. یکی از راه‌حل‌های معمول برای حل این مشکل یک مرتبه تفاضل‌گیری از معادله اصلی برای حذف تأثیرات مقطعی و سپس استفاده از تخمین زننده‌های GMM است. تفاضل مرتبه اول این تصریح به صورت (۳) است:

$$\Delta y_{it} = \sum_{j=1}^P \rho_j \Delta y_{it-j} + \Delta X'_{it} \beta + \Delta \varepsilon_{it} \quad (3)$$

تخمین گشتاورهای تعمیم‌یافته کارا از این معادله در حالت متداول شمار مختلفی از ابزارها شامل وقفه‌های متغیر وابسته و متغیرهای برونزا (از پیش تعیین‌شده) قابل دسترس در هر دوره را استفاده

۱. این مدل‌ها توسط Holtz-Eakin, Newey and Rosen (1990), Arellano and Bond (1991), Arellano and Bover (1995) بسط و توسعه یافته‌اند.

خواهد کرد. استفاده از وقفه‌های متغیر وابسته به عنوان ابزار به برخی از محدودیت‌های کوواریانسی بر روی δ_i, ε_i نیاز دارد. این محدودیت‌ها به تعدادی شرایط گشتاوری اشاره دارد که به وسیله تخمین‌زننده‌های گشتاورهای تعمیم‌یافته بر معادله تفاضلی وضع می‌گردد. برای مثال فرض کنید وقفه‌های متغیر وابسته و سطوح متغیرهای توضیحی برون‌زا (از پیش تعیین‌شده) را به عنوان ابزار در معادله تفاضلی به کار برده شود آنگاه در اولین دوره در دسترس یعنی در $x_{i2}, x_{i1}, y_{i1}, t=3$ ابزارهای معتبری هستند. از آنجایی که y_{i1} با Δy_{i2} همبسته ولی با $\Delta \varepsilon_{i3}$ ناهمبسته است. همچنین x_{i2}, x_{i1} با $\Delta \varepsilon_{i3}$ ناهمبسته ولی با Δx_{i3} همبسته هستند. به طور مشابه متغیرهای ابزاری که برای دوره T ام به دست می‌آید عبارتند از $(y_{i1}, \dots, y_{i,T-2}, x'_{i1}, \dots, x'_{i,T-1})$. با ادامه دادن این روش می‌توان مجموعه‌ای از ابزارهای از قبل تعیین‌شده را برای مقاطع i با استفاده از وقفه‌های متغیر وابسته و متغیرهای توضیحی تشکیل داد:

(۴)

$$W_i = \begin{bmatrix} [y_{i1}, x'_{i1}, x'_{i2}] \\ [y_{i1}, y_{i2}, x'_{i1}, x'_{i2}, x'_{i3}] \\ [y_{i1}, \dots, y_{i,T-2}, x'_{i1}, \dots, x'_{i,T-1}] \end{bmatrix}$$

بنابراین علاوه بر شرایط گشتاوری اولیه، شرایط گشتاوری ثانویه با شروط زیر برقرار است. برای همه i ها، همبستگی پیاپی در اجزای خطا وجود ندارد. متغیرهای توضیحی x به طور ضعیف برون‌زا هستند. بر این اساس شرایط گشتاوری (۵) را می‌توان بیان کرد:

(۵)

$$\begin{aligned} E[y_{is}, \Delta \varepsilon_{it}] &= 0 \quad \text{for } s \geq 2, t = 3, \dots, T \\ E[x_{is}, \Delta \varepsilon_{it}] &= 0 \quad \text{for } s \geq 2, t = 3, \dots, T \end{aligned}$$

با پیش‌ضرب W' در معادله تفاضلی رابطه (۶) به دست می‌آید:

(۶)

$$W' \Delta y_{i,t} = W' \sum_{j=1}^P \rho_j \Delta y_{i,t-j} + W' (\Delta x'_{it}) B + W' \Delta \varepsilon_{it}$$

با انجام GLS بر روی معادله بالا تخمین سازگار اولیه آرلانو و باند^۱ (۱۹۹۱) به دست می‌آید لیکن تخمین زننده بهینه GMM دومرحله‌ای آرلانو و باند برای β, ρ با استفاده از محدودیت‌های گشتاوری بالا رابطه (۷) خواهد بود:

(۷)

$$\begin{pmatrix} \hat{\rho} \\ \hat{B} \end{pmatrix} = \left([\Delta y_{-1}, \Delta x]' W \hat{A}^{-1} W' [\Delta y_{-1}, \Delta x] \right)^{-1} \left([\Delta y_{-1}, \Delta x]' W \hat{A}^{-1} W' \Delta y \right)$$

در مورد $\hat{B}$ تخمین زننده GMM از حداقل نمودن فرم درجه دوم به دست می‌آید:

(۸)

$$s(B) = [W' \varepsilon(B)]' A \quad [W' \varepsilon(B)] = g(B)' A g(B)$$

که در آن A یک ماتریس وزن‌دهنده است. با فرض اینکه ε_{it} خودهمبستگی نداشته باشد آنگاه ماتریس وزن‌دهنده بهینه برای معادله تفاضلی به صورت (۹) خواهد بود:

(۹)

$$A^d = \left(\sum_{i=1}^M W' \Xi W \right)^{-1}$$

و Ξ برابر است با:

$$\Xi = \frac{1}{2} \begin{bmatrix} 2 & -1 & \dots & \dots & \dots & 0 & 0 \\ -1 & 2 & \dots & \dots & \dots & 0 & 0 \\ \dots & \dots & \dots & \dots & \dots & \dots & \dots \\ 0 & 0 & 0 & 0 & \dots & 2 & -1 \\ 0 & 0 & 0 & \dots & \dots & -1 & 2 \end{bmatrix} \sigma^2$$

این ماتریس وزنی در حقیقت ماتریسی است که در تخمین یک مرحله‌ای آرلانور و باند به کار می‌رود با استفاده از اجزای خطای به‌دست‌آمده از تخمین یک مرحله‌ای می‌توان ماتریس وزنی دیگری به صورت (۱۰) نوشت:

(۱۰)

$$A = \left(\sum_{i=1}^M W' \Delta \varepsilon_i \Delta \varepsilon_i' W \right)^{-1}$$

که همان ماتریس وزنی تخمین دومرحله‌ای است. به طور کلی در تخمین‌های GMM همواره سه نکته اساسی تصریح متغیرهای ابزاری w ، انتخاب ماتریس وزن‌دهنده A ، تعیین یک تخمین‌زن برای V وجود دارد. انواع تصریحات در چارچوب مدل‌های GMM قابل توضیح است. به عنوان مثال تخمین‌زن‌های $2SLS, 3SLS, \dots$ حالات خاصی از مدل‌های GMM هستند (گرین، ۲۰۰۳).^۱ با فرض اینکه یک نمونه مشاهدات شامل $\{x_t : t=1, \dots, T\}$ وجود داشته باشد، باید یک پارامتر مجهول $p \times 1$ ماتریس θ با ارزش حقیقی θ_0 تخمین زده شود. $E(f(x_t, \theta))$ یک مجموعه از شرایط گشتاوری q است و $f_t(\theta)$ به گشتاورهای نمونه اشاره دارد. تابع استاندارد (۱۱) تعریف می‌شود:

(۱۱)

$$Q_T(\theta) = F_T(\theta)' A_T F_T(\theta)$$

جایی که A_T یک ماتریس معین مثبت $p \times p$ است. بر این اساس تخمین زننده GMM از θ عبارت است از:

$$\hat{\theta}_T = \arg \min_{\theta} Q_T(\theta)$$

تخمین زننده GMM که با این شرایط به دست می‌آید دارای خواص جانبی سازگاری، نرمال جانبی و کارایی جانبی است. نتایج برآورد معادله (۱) با استفاده از برآوردگر گشتاورهای تعمیم‌یافته در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱. نتایج برآورد عوامل مؤثر بر کسری بودجه با تأکید بر حاکمیت قانون در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط (متغیر وابسته: کسری بودجه)

روش اثرات ثابت	روش گشتاورهای تعمیم‌یافته	متغیرهای توضیحی
ضرایب (P -Value)	ضرایب (P -Value)	
۰/۱۷۷۵۱۳ (۰/۰۰۱۷)	۰/۱۲۸۲۰۸ (۰/۰۰۰۰)	IN
۱/۳۸۰۷۵۹ (۰/۰۱۳۲)	۲/۹۷۷۵۴۲ (۰/۰۰۰۰)	LSV
۰/۵۵۷۶۶۱ (۰/۰۰۰۰)	۲/۶۱۷۰۴۶ (۰/۰۰۰۰)	OPENCU
۲/۶۵۳۸۸۵ (۰/۰۰۰۰)	۱۴/۵۵۰۲۷ (۰/۰۰۰۰)	LGDPUCU
۴/۷۷۱۷۸۸ (۰/۰۰۰۰)	۱۵/۵۰۴۱۵ (۰/۰۰۰۰)	RL
-۸۴/۹۲۱۸۴	-	C
-	۰/۰۳۶۵۰۹ (۰/۰۰۰۰)	BD (-1)
۰/۹۰۳۵۱۱	-	R^2
$F(۲۵۲, ۲۸) = ۱/۳۵۷۲۹۱$ $P - \text{value} = [۰/۰۰۰۰]$	-	F_{test}
$\text{CHISQ}(۲۸) = ۱۵۲/۸۲۸۶۰۳$	-	H_{test}
$P - \text{value} = [۰/۰۰۰۰]$	-	J-Statistic
-	۲۰/۶۷۱۲۲	

مأخذ: محاسبات محقق

۵. نتایج و پیشنهادها

نتایج حاصل از برآورد مدل (۱) در گروه کشورهای منتخب به روش اثرات ثابت و گشتاورهای تعمیم‌یافته در دوره زمانی ۲۰۰۲-۲۰۱۳ در جدول (۱) نشان می‌دهد:

- حاکمیت قانون تأثیر مثبت و معناداری بر کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب دارد؛ بنابراین فرضیه مربوط به ارتباط معنادار میان حاکمیت قانون و کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب را نمی‌توان رد کرد. قانون اساسی، قوانین عادی، آیین‌نامه‌ها و سیاست‌های حاکم بر تدوین و اجرای آن‌ها، از مؤلفه‌های اصلی شکل‌دهنده محیط نهادی کسبوکار، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی در هر کشور به شمار می‌روند. برخی از کشورها از پدیده تغییرات بیش از حد و غیرمنتظره سیاست‌ها و در نتیجه، تغییرات پیاپی و غیرقابل پیش‌بینی قوانین، مقررات و دستورالعمل‌ها رنج می‌برند. حضور چنین پدیده‌ای در یک کشور، مترادف با غیرقابل اعتماد بودن محیط کسبوکار در آن کشور است. برعکس، ثبات نسبی و طول عمر معقول سیاست‌ها و قوانین منبعت از آن‌ها در یک اقتصاد، قانونمند و قابل پیش‌بینی بودن تغییرات در سیاست‌ها و قوانین، با ایجاد نوعی آرامش خاطر برای کارگزاران اقتصادی، این احساس را در آنان تقویت می‌کند که در محیطی «امن» و «پیش‌بینی‌پذیر» قرار دارند. در چنین محیطی تغییرات غیرمنتظره سیاست‌ها و قوانین اندک است.^۱ کارگزاران «مطمئن» هستند که دولت به سیاست‌ها و قوانینی که خود وضع و اعلام کرده است، پایبند خواهد ماند.^۲ هرگونه تغییر در سیاست‌ها و قوانین، سریعاً به ذی‌نفعان اطلاع‌رسانی می‌شود، و مهم‌تر از آن، کارگزاران اقتصادی در فرایند ایجاد تغییرات در سیاست‌ها و قوانین، مشارکت داده می‌شوند.^۳ حاکمیت قانون یک پیش‌شرط زیربنایی و اساسی برای رشد اقتصادی است. حاکمیت قانون

1. No Policy Surprise
2. Credibility of Announcements
3. Information and Participation

سبب شفافیت اقدامات، فعالیت حکومت‌ها و بهبود فرایند تصمیم‌گیری دولت‌ها از طریق مشارکت مردمی می‌شود. شفافیت قوانین مربوط به فعالیت شرکت‌ها، مؤسسات اقتصادی و عملکرد مناسب دولت‌ها سبب افزایش سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی، درآمدهای مالیاتی و درنهایت کاهش کسری بودجه می‌گردد. بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های نظام مناسب برای سرمایه‌گذاری، وجود حاکمیت قانون است. رعایت اصل حاکمیت قانون و برخورداری از یک نظام حقوقی که به حقوق مالکیت احترام گذارد و قراردادهای را محترم شمارد از مبانی بنیادین قضایی برای سرمایه‌گذاری است (بارو^۱، ۲۰۰۰). در نظامی که حاکمیت قانون به رسمیت شناخته شود، فرصت‌های جذاب برای فعالیتهای اقتصادی به نحو برابر برای همگان وجود دارد و تبعیض ناروا به جهت ارائه اطلاعات یا جانبداری یا تخصیص منابع به افراد یا گروه‌های خاص، مغایر با اصول حاکمیت قانون است. حاکمیت قانون، کارآفرینی و توسعه کسب‌وکار را تشویق می‌کند. یک کارآفرین نمی‌تواند در کشوری که بدون حاکمیت قانون اداره می‌شود فعالیت کند. کناک و کیفر^۲ (۲۰۰۳)، کناک^۳ (۲۰۰۳)، فنک^۴ (۲۰۰۲) نشان داده‌اند که بهبود حاکمیت قانون تأثیر مستقیمی بر رشد و توسعه اقتصادی دارد. افزایش رشد و توسعه اقتصادی نیز سبب افزایش رشد اقتصادی، درآمدهای مالیاتی و درنهایت کاهش کسری بودجه می‌گردد. حاکمیت قانون در مسائل مربوط به بودجه (تدوین، مصرف و نظارت) و به طور کلی مدیریت مالی سبب شفافیت

-
1. Barro, R.J
 2. Knack, s and keefer, p
 3. Knack
 4. Feng

می‌شود و با حفظ قانون مداری در حاکمیت و افزایش سطح رضایتمندی با افزایش رشد اقتصادی، درآمدهای مالیاتی، کسری بودجه دولت را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر تصویب و اجرای قوانین، هزینه‌هایی را به دولت‌ها تحمیل می‌کند که سبب افزایش کسری بودجه می‌گردد. در این راستا فقر قوانین و چارچوب‌های نهادی تأثیر منفی بر سرمایه‌گذاری، تولید و درآمدهای مالیاتی دارد و کسری بودجه را افزایش می‌دهد (مینسو، ۱۹۹۹)؛ بنابراین حاکمیت قانون می‌تواند کسری بودجه را افزایش و یا کاهش دهد و اثر آن بر روی کسری بودجه مبهم است.

- تورم تأثیر مثبت و معناداری بر کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب دارد؛ بنابراین فرضیه مربوط به ارتباط معنادار میان تورم و کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب را نمی‌توان رد کرد. تورم‌های خزنده و ملایم بر سرمایه‌گذاری اثر مثبت و تورم شدید و افسارگسیخته، سرمایه‌گذاری مولد را به شدت کاهش و گاه یکسره متوقف می‌کنند. چنانچه بر تأثیر منفی تورم بر سرمایه‌گذاری‌های مولد، اثرات زیان‌بار این عامل بر توزیع درآمد و ثروت و عواقب سیاسی و اجتماعی ناشی از آن افزوده شود، قطعاً بر تأثیر منفی تورم بر تولید و رشد اقتصادی و افزایش کسری بودجه صحنه خواهیم گذاشت. در شرایط تورمی ارزش مخارج دولتی (هزینه‌های جاری و عمرانی دولت) فزونی می‌یابد، در صورتی که میزان درآمدهای مالیاتی دولت به همان میزان افزایش نمی‌یابد از این رو میان تورم و کسری بودجه رابطه مستقیمی وجود دارد.
- درجه آزادی اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری بر کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب دارد؛ بنابراین فرضیه مربوط به ارتباط معنادار میان

درجه آزادی اقتصادی و کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب را نمی‌توان رد کرد.

- لگاریتم سهم شاغلان دارای تحصیلات متوسطه به عنوان شاخص سرمایه انسانی تأثیر مثبت و معناداری بر کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب دارد؛ بنابراین فرضیه مربوط به ارتباط معنادار میان سرمایه انسانی و کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب را نمی‌توان رد کرد. با سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی از یک سو کیفیت نیروی کار بهبود یافته و لذا موجب کارایی و بازدهی بیشتر نیروی کار شده و بدین ترتیب تولید و درآمدهای دولتی را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی موجب ابداع طرح‌های نوین در تولید شده و لذا موجب استفاده بهینه و مطلوب از منابع و سایر عوامل تولید را فراهم ساخته و از این طریق نیز ظرفیت تولیدی کل اقتصاد را افزایش و درنهایت به افزایش رشد اقتصادی، درآمدهای مالیاتی و کاهش کسری بودجه کمک می‌کند. از سوی دیگر بهبود کیفیت سرمایه انسانی، هزینه‌های دولتی را افزایش می‌دهد. حال با توجه به اینکه در گروه کشورهای منتخب در این مقاله تأثیر هزینه‌های دولتی از درآمدهای مالیاتی بیشتر بوده است. بهبود سرمایه انسانی سبب افزایش کسری بودجه شده است. شواهد موجود در بیشتر کشورهای صنعتی نیز مؤید این حقیقت است که میان سرمایه‌گذاری آموزشی نیروی انسانی و رشد اقتصادی، درآمدهای مالیاتی و کسری بودجه ارتباط قوی وجود دارد.
- لگاریتم تولید ناخالص داخلی واقعی به عنوان شاخص رشد اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری بر کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب دارد؛ بنابراین فرضیه مربوط به ارتباط معنادار میان رشد اقتصادی و کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب را نمی‌توان رد کرد. با افزایش تولید،

درآمدهای مالیاتی و هزینه‌های دولتی افزایش می‌یابد. حال با توجه به اینکه در گروه کشورهای منتخب در این مقاله تأثیر هزینه‌های دولتی از درآمدهای مالیاتی بیشتر بوده است، لذا افزایش تولید ناخالص داخلی واقعی موجب افزایش کسری بودجه شده است.

- مقدار ضریب تعیین در معادلات نشان می‌دهد که بیش از نود درصد از تغییرات کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب درآمد توسط متغیرهای مستقل مدل توضیح داده شده است.
 - آماره آزمون سارگان^۱ که از توزیع χ^2 با درجات آزادی برابر با تعداد محدودیت‌های بیش از حد مشخص برخوردار است، فرضیه صفر مبنی بر همبسته بودن پسماندها با متغیرهای ابزاری را رد می‌کند. بر اساس نتایج حاصل از این آزمون متغیرهای ابزاری به کار گرفته شده در تخمین مدل‌ها از اعتبار لازم برخوردار هستند. در نتیجه اعتبار نتایج جهت تفسیر تأیید می‌شوند.
- با توجه به نتایج حاصل از این مقاله پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد.
- تلاش در جهت روشن‌سازی قوانین و رفع برداشت‌های شخصی از قوانین؛
 - افزایش وظایف نظارتی دولت در جهت اجرای صحیح قوانین و کاهش وظایف اجرایی آن؛
 - ایجاد نظام حقوقی سالم در پرتو حاکمیت قانون و کاهش خطر ابطال قراردادها؛
 - ایجاد شفافیت در فرآیند قانون‌گذاری و عملکرد نهادهای اجرایی.

منابع

- اصلانی، فیروز و سید محمدحسین کاظمینی (۱۳۹۰). «مفهوم حاکمیت قانون برداشت از آن با تأکید بر قانون اساسی ج.ا.ا». *مطالعات انقلاب اسلامی*. دوره ۸. شماره ۲۶. صص ۲۴۷-۲۷۴.
- خضری، محمد و احمد ساعی (۱۳۹۱). «فرهنگ سیاسی و حاکمیت قانون در ایران: با تأکید بر بی‌اعتمادی سیاسی ناشی از توهم توطئه». *مطالعات سیاسی*. دوره ۵. شماره ۱۷. صص ۴۷-۶۵.
- رزمی، علی‌اکبر و محمدجواد شهرکی (۱۳۸۸). «تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی با رویکرد مکتب نهادگرا: بررسی علی». *مجله دانش و توسعه*. سال ۱۶. شماره ۲۸.
- شریفی رنانی، حسین؛ شعاعی، فروغ؛ میر فتاح، مریم و محمدرضا توکل‌نیا (۱۳۹۲). «بررسی تأثیرات آزادسازی اقتصادی بر شاخص‌های کلان اقتصادی در ایران: با تأکید بر آزادسازی تجاری». دوره ۴. شماره ۱۰. صص ۵۸-۲۹.
- صالحی، محمدجواد (۱۳۸۱). «اثرات سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی ایران». *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*. شماره ۲۴. صص ۴۳-۷۳.
- ضیایی بیگدلی، محمدتقی و نصراله مقصودی (۱۳۸۴). «بررسی اثرات تورم بر کسری بودجه از لحاظ درآمد و مخارج دولت در اقتصاد ایران». *پژوهشنامه اقتصادی*. دوره ۵. شماره ۳. پیاپی ۱۸.
- طیبی، کمیل؛ شیخ بهایی آذیتا و احمد گوگردچیان (۱۳۸۷). «تحلیلی بر رشد اقتصادی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) با تأکید بر تجارت و سرمایه انسانی». *همایش اقتصاد اسلامی و توسعه*.
- عیسی‌زاده، سعید و اکبر احمدزاده (۱۳۸۸). «بررسی اثر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی با تأکید بر نهادهای حاکمیتی». *پژوهش‌های اقتصادی ایران*. دوره ۱۳. شماره ۴۰. صص ۱-۲۸.
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۷۵). *حکومت‌های محلی و عدم تمرکز*. تهران. نشر قومس. چاپ سوم. صص ۹۶-۱۷.
- مالمیری، احمد (۱۳۸۵). «حاکمیت قانون: مفاهیم، مبانی و برداشتها». *مجلس شورای اسلامی*. مرکز پژوهش‌ها.

- Alesina, Alberto., & Perotti, Roberto** (1995). "Political Economy Of Budget Deficits", *International Monetary Fund*. International Monetary, Washington, Vol. 42, I. 1.
- Arjomand Mansoor., Emami Karim., & Salimi Farshid** (2015). "Growth and Productivity; the role of budget deficit in the MENA selected countries". *1st International Conference on Applied Economics and Business*. Procedia Economics and Finance 36, pp:345 – 352.
- Atya, Eyad** (2007). "Determinates of sustainable development weak and strong sustainability". Pp:3, www.yahoo.com.
- Aymo Brunetti, Gregory Kisunko, and Beatrice Weder**, (1997). "Credibility of Rules and Economic Growth: Evidence from a Worldwide Survey of the Private Sector", (working paper), World Bank.
- Barro, Robert j., & Sala-i-Martin, Xavier** (1995). *Economic Growth*. Mc Grow Hill, New York.
- Barro, R.J** (2001). "Human capital: growth, history and policy". *the American Economic review*, Vol. 19 (2), PP. 12-70.
- Barro, r. j.** (2000), "rul of low, democracy and economic performance", *index of economic freedom*, pp.31-49; available online at: <http://www.heritage.org/research/features/index/chapter>. Pdf.
- Barro, Robert** (1991). "Economic Growth in a Cross Section of Countries". *Quarterly Journal of Economics*, Vol. 106(2), pp. 407-433.
- Barro Robert** (1989). "On The Determination Of Public Debt". *Journal Of Political Economy*, Vol. 84, PP 343-349.
- De Haan., & E. Strum** (1994). "Political & Institutional Determinates Of Fiscal policy In The European Community". *Public Choice*, Vol. 80, PP. 157-72.
- Fagbadebo, omololu** (2007). "Corruption, Governance and political Instability in Nigeria". *African Journal of political Science and International Relations*, Vol. 1(2), PP. 28-37, available online at <http://www.academicjournals.org/Agpsir>.
- Feng, Y.** (2003). *Democracy, Governance and Economic performance: Theory and Evidence*. Cambridge: MA, MIT press.
- Fernández-Villaverde, Jesús.** (2016). "International Review of Law and Economics". Vol. 47, pp. 22–28
- Fish, M.Steven., & Brooks, Robins.** (2007). "Does Diversity hurt democracy?", *Journal of democracy*, Vol. 15, No.1, p.10.
- Grossman, F** (2003). "Human Development and Regional Disparities in India". Center for Development Studies Department of Economics University.
- Glasgow.Georgiou, M.N,** (2015), "Economic Freedom and Human Development Index", *Economics Research Network*.
- Haggard, Stephen., & Tiede, Lydia.** (2011). "The Rule of Law and Economic Growth:Where are We?". *World Development*, Vol. 39, No. 5, pp. 673-685.
- Keefer. P- Knack., & S-Olson. M.** (1996). "Property and Contract Rights In Autocracies and Democracies". *Journal Of Economic Growth*, Vol. 1, PP. 243-76.
- Koyama, Mark., & Johnson, Blake** (2014). "Monetary stability and the rule of law". *Journal of Financial stability*.

- Kaplow**, (1993). "human tax & income tax", *Department of Economics*, university of Harvard, discussion paper number 99/13.
- Kaufmann, Daniel., Karaay, Aart., & Mastruzzi, Massimo** (2007). "Governance Matters VI: Aggregate and individual Governance indicators 1996-2006". World Bank policy Research working paper. NO. 4280.
- Kaufmann, Daniel., Art, Kraay., & Pablo zoido – Loba ton** (2008). "Aggregating Governance Indicators". Policy Research working paper NO. 2195.
- Kaufmann, Daniel., Kraay, Art., & Massimo Mastruzzi** (1999b). "Governance Matters". World Bank Policy Research Working Paper No. 2196, Washington, D.C.
- Kaufmann, Daniel., Kraay, Art., & Massimo, Mastruzzi** (2002). "Governance Matters II". Updated Indicators for 2000/01. World Bank Policy Research Working Paper No. 2772, Washington, D.C.
- Kaufmann, Daniel., Aart, Kraay., & Massimo Mastruzzi** (2004). "Governance Matters III: Governance Indicators for 1996, 1998, 2000, and, 2002". World Bank Economic Review. Vol. 18, PP. 253-287.
- Kaufmann, Daniel., Aart, Kraay., & Massimo, Mastruzzi** (2005). "Governance Matters IV: Governance Indicators for 1996-2004". World Bank Policy Research Working Paper No. 3630. Washington, D.C.
- Kaufmann, Daniel., Aart, Kraay., Massimo, Mastruzzi** (2006a). *Measuring Governance Using Perceptions Data*. in Susan Rose-Ackrman, ed. Handbook of Economic Corruption. Edward Elgar.
- Kaufmann, Daniel., Aart, Kraay., & Massimo, Mastruzzi**, (2006b). "Governance Matters V: Aggregate and Indicial Governance Indicators for 1996-2005". World Bank Policy Research Working Paper No. 4012. Washington, D.C.
- Kaufmann, Daniel., Aart, Kraay., & Massimo, Mastruzzi** (2007a). "The Worldwide Governance Indicators Project: Answering the Critics". World Bank Policy Research Working Paper No. 4149. Washington, D.C.
- Kaufmann, Daniel., Aart, Kraay., & Massimo, Mastruzzi** (2007b). "Growth and Governance: A Reply/Rejoinder". *Journal of Politics*. Vol. 69(2). PP. 555-562.
- Kaufmann, Daniel., Aart, Kraay., & Massimo Mastruzzi** (2007c). "Governance Matters VI: Aggregate and Individual Governance Indicators for 1996-2005". World Bank Policy Research Working Paper No. 4280. Washington, D.C.
- Keefer. P- Knack., & S-Olson. M.** (1996). "Property and Contract Rights In Autocracies and Democracies". *Journal Of Economic Growth*, Vol. 1, PP. 243-76.
- Kirchgaessner,G** (2001). "The Effect Of Fiscal Institution On Public Finance". CE sifo Working Papers 617.
- Li, shaomin., & Filer, Larry**, (2007). "The effect of governance environment on the choice of investment mode and the strategic implications". *Journal of world Business*, Vol. 42, pp. 80-98. Available online at [www. Science direct. Com/ bam/ jwb](http://www.Science direct. Com/ bam/ jwb).
- Li, s., park, s., & Li, S** (2004). "The great Leap forward: The transition From relation-based governance to rule- based governance", *Organizational Dynamics*. Vol. 33, PP. 63-78.

Minsoo. Lee. "Growth In Transition Economics. Foreign Direct Investment, Fiscal policy, Human Capital and Structural Chang", A. PHD. Thesis, Washington State University, Development Of Economics.

peerenboon, R (2002). "social networks, rule of Law and economic growth in china: The elusive pursuit of the right combination of private and public ordering". *Global Economic Review*, Vol. 31, PP. 1-20.

Ram, Rati (1985). "Export and Economic Growth in developing countries: some additional Evidence". *Economic development and culture change*, No. 33, PP. 415-425.

Schugurenky, Daniel (2004). "Participatory Budget, A Tool For Democratizing Democracy". Talk Given at The Meeting "Some Assembly Required" Case Of Canada and Abroad, Toronto Metro Hall: April 29.

Stephan, (2003). "human capital and Taxation: the limited Role of the personal income tax in Developing Countries", Internet Document.

Tyler, G.w (1981). "Growth and Export Expansion in developing country". *Journal of Development Economic*, No. 9, PP. 121-130.

فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی